

Natural Monopoly and Third-Party Access Right in Investment in Oil and Gas Pipelines with Emphasis on UK Law

Abdolhossein Shiravi¹ , Hamed Rasouli² 

1. Corresponding author, Department of Private Law, Faculty of Law Farabi Collage, University of Tehran. Qom. Iran. E-mail: ashiravi@ut.ac.ir, Orkid Code: 0000-0002-5575-7153
2. Farabi Collage, University of Tehran, Qom. Iran. E-mail: Hamed.rasouli@fimfze.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 2026 March 13

Revised: 2026 April 12

Accepted: 2026 May 6

Published online:

Keywords:

Natural Monopoly,

Third-Party Access,

Investment,

Oil and Gas Pipelines.

ABSTRACT

Oil and gas pipelines have a Natural Monopoly. This fact results in prohibiting new investment in this sector of industry. However, identifying the right of Third-Party Access to existing oil and gas pipelines is an essential issue to diversify new markets. With the implementation of the general policies of Article 44 of the Constitution of Iran, the prohibition of private sector entry into Iran's economic activities was lifted to some extent; Despite the emphasis on attracting new investment in Iran's Oil and Gas macro policies and upstream documents, the concepts of Natural Monopoly and Third-Party Access, have not been decently considered. The experience of other countries is functional in this regard. Considering Natural Monopoly and Third-Party Access principles, in this article, it has been tried to definite these concepts. Besides, by emphasizing on these two crucial concepts, it has been endeavored to derive appropriate benefits from the experience of investing in oil and gas pipelines in the UK.

Cite this article: Shiravi, A., Rasouli, H. (2026). Natural Monopoly and Third-Party Access Right in Investment in Oil And Gas Pipelines with Emphasis on UK Law. *Private Law*, 23 (1), 1-20. <http://doi.org/0000000000000000>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/0000000000000000>

Publisher: University of Tehran Press

انحصار طبیعی و حق دسترسی شخص ثالث در سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز با تأکید بر حقوق انگلیس

عبدالحسین شیروی¹، و حامد رسولی²

1. نویسنده مسئول. گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

ایشانامه: ashiravi@ut.ac.ir

2. گروه حقوق نفت و گاز دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. ایشانامه:

Hamed.rasouli@fimfze.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت: 1404/12/22	
تاریخ بازنگری: 1405/1/23	
تاریخ پذیرش: 1405/2/16	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها: انحصار طبیعی، دسترسی شخص ثالث، سرمایه‌گذاری، خطوط لوله نفت و گاز.	خطوط لوله نفت و گاز دارای انحصار طبیعی است به این معنا که کشیدن خطوط لوله موازی فاقد صرفه اقتصادی است. از طرف دیگر آزادسازی سرمایه‌گذاری خصوصی در انتقال نفت و گاز مستلزم شناسایی این انحصار و برقراری حق دسترسی به اشخاص ثالث است که بتوانند بدون اینکه خطوط لوله جدیدی احداث کنند، از خطوط لوله نفت و گاز موجود استفاده کنند. با اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، منع ورود بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی ایران از جمله در حوزه انتقال و فروش نفت و گاز تا حدودی مرتفع گردیده است، لیکن مفاهیم انحصار طبیعی و حق دسترسی شخص ثالث در سیاست‌گذاری‌های کلان و اسناد بالادستی ایران مورد توجه قرار نگرفته است. در این رابطه، تجربه سایر کشورها کمک شایانی می‌نماید. در مقاله حاضر تلاش شده است، ضمن معرفی انحصار طبیعی و حق دسترسی شخص ثالث، از تجربه سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز انگلیس بهره‌مند شده و امکان استفاده از این تجربیات در نظام حقوقی ایران مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

استناد: شیروی، عبدالحسین؛ رسولی، حامد (1405). انحصار طبیعی و حق دسترسی شخص ثالث در سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز با تأکید بر حقوق انگلیس، حقوق خصوصی، 23 (1).

<http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

ایران با داشتن بیش از 38 هزار کیلومتر خط لوله انتقال نفت و گاز، در بین 20 کشور برتر دارای گسترده‌ترین خطوط لوله نفت و گاز قرار دارد (<https://www.worldatlas.com/articles/top-20-countries-by-length-of-pipeline>). در این میان آمریکا بالاترین میزان خطوط لوله را داراست. خطوط لوله، به واسطه نقش مهم آن در تحقق بخشیدن به مدیریت انتقال نفت و گاز از اهمیت زیادی برخوردار است و سرمایه‌گذاری در این حوزه منجر به ایجاد و دسترسی به بازارهای نوین انرژی می‌گردد.

نیل به بازارهای جدید انرژی و جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری در ایران، در سالیان اخیر به صورت گسترده، مورد توجه بوده است. برای نیل به این اهداف نیز، قوانین بالادستی مختلفی در این سالیان، تصویب شده¹ که مویده این امر است که در بادی امر، این اهداف برای ایران حائز اهمیت است و همچنین، از طریق تدوین این قوانین بالادستی، سیاست‌گذاری‌های ابتدایی برای تحقق این اهداف مدون شده است.

علی‌رغم وجود این اسناد بالادستی، قانونگذار لازم است در مقررات عادی نیز، ضمن احترام به سیاست‌گذاری‌های مزبور در اسناد بالادستی، امکان تحقق این اهداف را، به صورت دقیق‌تر ترسیم نموده و شرایط اجرایی آن را، فراهم نماید. پیرامون این واقعیت، گرچه کماکان اصل آزادی اراده در قراردادهای گوناگون نفت و گاز (که سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نیز از جمله آن فعالیت‌هاست) نقش اصلی را -خواه در ایران یا خارج از ایران- بازی می‌کند، با این حال، حاکمیت اصل مزبور، برای دستیابی به اهداف کلانی مانند ایجاد و دسترسی به بازارهای جدید انرژی و جذب حداکثری سرمایه‌گذاری در کشور، به تنهایی، نمی‌تواند کارآمد باشد. از این رو، سرمایه‌گذار نیازمند شناسایی و حمایت قانونی قانونگذار در حق دسترسی شخص ثالث و تعدیل انحصار طبیعی است. تعیین حدود و ثغور مفاهیم انحصار طبیعی در خطوط لوله نفت و گاز و حق دسترسی شخص ثالث به آن، می‌تواند در پرتو سازوکارهای تنظیم‌گری² نقش‌آفرین موثری در این ارتباط، داشته باشد (شیروی، عبدالحسین، حقوق اقتصادی)؛ زیرا، برای تحقق توسعه کشور و

¹ - از جمله این قوانین و مقررات می‌توان به «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، «سیاست‌های کلی اصلاح مصرف»، «سیاست‌های کلی محیط زیست» و «سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه» اشاره کرد.

2. Regulatory Regime

جذب سرمایه، جلوگیری از انحصار در بازار انرژی^۱ و تدارک مقدمات لازم جهت سرمایه‌گذاری بیشتر و حمل‌ونقل حامل‌های انرژی از طریق خطوط لوله، امری ضروری است. بهره‌مندی از تجارب سایر کشورهایی که پیش از این، پیرامون جذب سرمایه‌گذاری اشخاص موضوع حقوق خصوصی، ایجاد و دسترسی به بازارهای جدید موفق بوده‌اند مانند کشور انگلیس، می‌تواند برای قانونگذار، راهگشا باشد.

خطوط لوله انتقال نفت و گاز عمدتاً در تصاحب و انحصار شرکت ملی نفت ایران است. به موجب بند 4 ماده 6 قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، یکی از وظایف شرکت ملی نفت ایران خرید، اجاره، تأسیس، تکمیل، توسعه، نگهداری، تعمیر و حفاظت از خطوط لوله است. علی‌رغم وجود این مقرر در خصوص خطوط لوله و وظیفه شرکت ملی نفت ایران پیرامون آن، با اجرایی شدن قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی، منعی برای سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز برای اشخاص خصوصی وجود ندارد. بنابراین، به طور محدود برخی از خطوط لوله انتقال نفت و گاز توسط بخش خصوصی احداث گردید. برای امکان فعالیت اشخاص خصوصی (اعم از داخلی یا خارجی) و سرمایه‌گذاری ایشان در حوزه فروش و انتقال نفت و گاز^۲، شرکت ملی نفت ایران لازم است به عنوان دارنده حق انحصار طبیعی بر خطوط لوله، به سرمایه‌گذاران جدید، برای بهره‌مندی از خطوط لوله موجود، حق دسترسی بدهد. این امر در سرمایه‌گذاری مستقیم در حوزه برق و حمل‌ونقل ریلی مسبوق به سابقه است (شیری، عبدالحسین، حقوق انرژی)^۳.

^۱ - به استناد بند 6 سیاست‌های کلی انرژی، بند 13 سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، بند 41 سیاست‌های کلی برنامه پنجم و بند 10 برنامه هفتم توسعه، تجارت حامل‌های انرژی و ایجاد بازار برای معاملات آن یکی از سیاست‌های کلی نظام است.

^۲ - اینکه آیا سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز مصداقی از فعالیت‌های بالادستی است - که سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در آن بخش، در انحصار دولت قرار دارد - یا از جمله فعالیت‌های پائین‌دستی است - که امکان سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت بر آن برای اشخاص خصوصی ممکن است -، نیاز به تدقیق نظر است؛ لیکن، با توجه به بند (ج) ماده 3 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم و آیین‌نامه اجرایی تبصره 1 بند مزبور، صرفاً سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌های مربوط به معادن نفت و گاز، در انحصار دولت باقی مانده است. براین اساس، سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز توسط اشخاص خصوصی به سختی می‌تواند نمونه‌ای از فعالیت‌های کشف، توسعه و بهره‌برداری معادن نفت و گاز باشد.

^۳ - طبق بند 8 ماده 2 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم، «شبکه‌های اصلی انتقال برق» در بخش

یکی از چالش‌های بزرگ ایران در زمینه صادرات گاز، توسعه نیافتن زیرساخت‌های مرتبط با خطوط لوله برای صادرات به بازارهای دوردست است (پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (1393). صادرات گاز ایران به اروپا)؛ با این حال، در بند 10 سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه یکی از اهداف ایران، تبدیل شدن ایران به هاب انرژی از طریق ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز برای مبادلات انرژی و تسهیل تجارت و حمل‌ونقل گاز و نفت میان کشورهای همسایه است¹. تحقق این امر نیازمند اصلاح ساختارهای مدیریتی، رفع انحصارات دولتی، جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی از جمله درخصوص خطوط لوله نفت و گاز است.

در این مقاله در ابتدا مفاهیم انحصار طبیعی با توجه به سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ سپس، حق دسترسی ثالث و اهمیت آن برای جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد بازار نوین، در این حوزه، مورد تبیین خواهد بود. در بخش پسین، تعارضات میان این دو مفهوم (انحصار طبیعی و دسترسی شخص ثالث) در ارتباط با سرمایه‌گذاری در خطوط لوله تشریح شده و نهایتاً، قوانین مرتبط با این دو موضوع در حقوق انگلیس، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

1. انحصار طبیعی²

انحصار طبیعی نوعی انحصار در صنعت یا حوزه اقتصادی است که به دلیل وجود موانع قانونی یا مالی و اقتصادی، ورود سرمایه‌گذار و هزینه‌کرد وی، فاقد توجیه اقتصادی بوده و منتج به منع فعالیت سرمایه‌گذاری نوین می‌شود. به این ترتیب، با وجود انحصار طبیعی فعالیت تجاری سایر بازیگران در آن صنعت یا بخش دچار مشکل جدی می‌شود. به عبارت دیگر، انحصار طبیعی به وضعیتی گفته می‌شود که به دلیل وجود ویژگی‌های خاص یک بازار، تنها یک یا چند

دولتی قرار دارد که سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت آن انحصار دولت است اما سایر فعالیت‌های حوزه برق از انحصار دولتی خارج شده است و بخش خصوصی می‌تواند در آن‌ها سرمایه‌گذاری و این طرح‌ها را مدیریت و تملک کند.

¹ - بند 10 سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه کشور مقرر شده است: فعال‌سازی مزیت‌های جغرافیایی-سیاسی و تبدیل جمهوری اسلامی ایران به مرکز مبادلات و خدمات تجاری، انرژی، ارتباطات و حمل‌ونقل. همچنین، بند «پ» ماده 44 قانون برنامه هفتم اهداف کمی مشخصی تعیین شده است (نگاه کنید: شیروی، عبدالحسین. حقوق انرژی).

2. Natural Monopoly

تولیدکننده محدود قادر به تامین بهینه نیازهای آن بازار است. این نوع انحصار، یا بر اثر اقتضانات سیاست‌های اقتصادی، شیوه حکمرانی و فرایندهای ملی‌سازی صنایع بزرگ پدید می‌آید، یا ناشی از وجود موانع سرمایه‌ای از جمله هزینه‌های ثابت بسیار بالا بروز می‌کند. در چنین شرایطی، یا سرمایه‌گذاری نهادهای غیردولتی ممنوع می‌شود، یا حضور و فعالیت شرکت‌های دیگر غیراقتصادی می‌گردد¹. احداث خطوط لوله انتقال نفت و گاز نیز از این دسته فعالیت‌ها است که کشیدن خطوط جدید ممکن است برای بخش خصوصی ممنوع یا فاقد توجیه اقتصادی باشد. حق انحصار طبیعی می‌تواند برای ارائه‌دهنده کالا یا خدمت صنعتی یا غیرصنعتی در منطقه جغرافیایی مشخصی باشد. همچنین، حق انحصار طبیعی می‌تواند در صنایعی ایجاد شود که برای سرمایه‌گذاری، به مواد اولیه، فن‌آوری و یا عوامل مشابه منحصر به فردی، نیازمند است؛ چنانچه در انتقال نفت و گاز -خواه در فعالیت‌های بالادستی یا پایین‌دستی- به خطوط لوله انتقال نفت و گاز نیازمندی وجود دارد (شیروی، عبدالحسین، حقوق انرژی).

برخی از صنایعی که انحصار طبیعی دارند عبارت است از صنایع خدمات رفاهی، مخابراتی، اینترنتی و خطوط ریلی راه‌آهن است. نمونه‌های مدرن‌تر انحصار طبیعی شامل پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، موتورهای جستجو و خرده‌فروشی آنلاین است. شرکت‌هایی مانند متا (که قبلاً فیس‌بوک بود)، گوگل و آمازون، به دلیل بهره‌مندی از مزایای پیشگام بودن، ارتباطات گسترده شبکه‌ای و صرفه‌جویی‌هایی که با اعمال مدیریت یکپارچه و وسیع داده‌ها و اطلاعات به دست آورده‌اند، انحصار طبیعی را برای ارائه خدمات برخط (آنلاین) به کاربران خود، ایجاد کرده‌اند. برخلاف انحصار طبیعی در صنایع سنتی، این نوع انحصار طبیعی نوظهور، تاکنون در اکثر کشورها عملاً بدون نظارت بوده‌اند.

1.1. آثار مثبت و منفی انحصار طبیعی

¹ - شایان ذکر است، انحصار طبیعی با انحصار معمولی (Regular Monopoly) متفاوت است. همانطور که از نامش پیداست، انحصار طبیعی، به طور طبیعی وجود دارد. تنظیم‌گر (Regulator) بازار به سرمایه‌گذاری در بازار منحصر به فرد، اجازه می‌دهد تا بدون از بین رفتن شرایط رقابت منصفانه، به تنها بازیگر و سرمایه‌گذار در آن صنعت خاص، تبدیل شود. از سوی دیگر، انحصار معمولی، زمانی ایجاد می‌شوند که سرمایه‌گذاری ضمن از نقض رقابت سالم، بازار را کنترل می‌کند. این اتفاق زمانی می‌افتد که سرمایه‌گذاری، زنجیره تأمین محصولی را مالک شده و رقابتی خود را حذف می‌نماید. انحصار اعم از طبیعی یا معمولی ممکن است منجر به حذف محصولات و خدمات رقابتی، تحمیل محصول با قیمت‌های بالاتر و بی‌کیفیت شوند.

انحصار طبیعی دارای مزایا و معایبی است که در ادامه مورد تشریح قرار می‌گیرد. یکی از مزایای انحصار طبیعی، استفاده کارآمد از منابع محدود در صنعت برای ارائه محصول با کمترین قیمت به مصرف‌کنندگان است. براین اساس، زمانی که تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدماتی، به استناد انحصار طبیعی آن تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدمات بر آن صنعت، بتواند محصول یا خدمتی را علی‌رغم وجود محدودیت منابع، با هزینه‌ای کمتر از هر شخص دیگری و به میزانی که می‌تواند کل بازار را پوشش دهد، تولید یا ارائه کند، مصرف‌کنندگان نیز از انحصار تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدمات مزبور، به واسطه عرضه و مصرف آن کالا یا خدمت با هزینه پایین، منتفع می‌گردند.

در این شرایط کشورها می‌توانند با شناسایی و معتبر دانستن انحصار طبیعی، از آن بهره‌مند شوند. برای مثال، وجود چندین شرکت خدمات رفاهی امکان‌پذیر نخواهد بود، زیرا برای هر رقیب به شبکه‌های توزیع زیادی مانند خطوط فاضلاب، تیرهای برق و لوله‌های آب نیاز است. در فرضی که سرمایه‌گذاری چند شرکت از نظر اقتصادی، در حوزه مشخصی، منطقی نباشد، قانونگذار به سرمایه‌گذار مشخصی اجازه می‌دهد به عنوان دارنده انحصار طبیعی، در آن حوزه اقتصادی مشخص به مانند شرکت ملی نفت ایران در خطوط لوله نفت و گاز، به تنهایی، فعالیت کند. باین حال، فعالیت‌های دارنده انحصار طبیعی به شدت تحت نظارت قانونگذار خواهد بود تا اطمینان حاصل شود که مصرف‌کنندگان از قیمت‌گذاری منصفانه و خدمات مناسب بهره‌مند می‌شوند.

در مقابل انحصار طبیعی دارای معایبی نیز هست. یکی از معایب عمده انحصار طبیعی این است که رقابت را از بین می‌برد و حق انتخاب را از مصرف‌کنندگان سلب می‌کند. این بدان معناست که مشتریان فقط می‌توانند کالاها و خدمات خاصی را از یک ارائه‌دهنده دریافت کنند. وجود انحصار طبیعی مانع از ورود سایر بازیگران بالقوه به بازار می‌شود. این موضوع، به دلیل هزینه‌های بالای راه‌اندازی مرتبط با انجام فعالیت اقتصادی است.

از آنجا که فقط یک بازیگر اقتصادی در بازار وجود دارد، شیوه تنظیم‌گری و مقررگذاری ممکن است امری مشکل‌زا باشد - به خصوص زمانی که انحصار موجود توسط قانونگذار یا تنظیم‌گر، مورد نظارت قرار نمی‌گیرد. به این ترتیب، دارنده حق انحصار طبیعی، ممکن است از قدرت خود سوءاستفاده کند، قیمت‌ها را افزایش دهد و خدمات خود را به مشتری با کیفیت پایین ارائه نماید.

شرکت‌هایی که انحصار طبیعی دارند، گاهی اوقات ممکن است با محدود کردن عرضه یک محصول یا خدمات، افزایش قیمت‌ها یا اعمال قدرت خود به روش‌های مخرب غیر از قیمت‌ها، از مزایا سوءاستفاده کنند.

به صورت خلاصه باید اشاره گردد که انحصار طبیعی می‌تواند هم یک موهبت برای مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران، قلمداد گردد و هم می‌تواند موضوعی چالشی، از لحاظ جذب سرمایه‌گذاری جدید و ایجاد بازارهای نوین، باشد (Roberts, Peter. Gas And LNG Sales And Transportation Agreements, Principles And Practice).

2.1. انحصار طبیعی و سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز

نفت و گاز برای صادرات، پالایش، یا مصرف داخلی اغلب از طریق خطوط لوله منتقل می‌شوند. این شبکه‌ها ممکن است در زمین، زیر دریا یا روی زمین قرار بگیرند و طول آن‌ها به هزاران کیلومتر می‌رسد. طراحی و ساخت خطوط لوله با توجه به ملاحظات قانونی و زیست‌محیطی انجام می‌شود و شامل تعیین مسیر، مشخصات فنی و انتخاب جنس لوله است که بسته به نوع سیال، دما و شرایط محیطی ممکن است از جنس فولاد، سیمان یا پلاستیک باشد. خطوط لوله در معرض خوردگی داخلی و خارجی قرار دارند و برای جلوگیری از این مشکل از پوشش‌های ضدخوردگی، عایق‌کاری و ورق‌های مقاوم استفاده می‌شود. پس از احداث، خط لوله باید به طور مداوم بازرسی و در صورت ضرورت تعمیر شود. در مواقعی که لوله دچار خوردگی شدید باشد، تعویض آن ضروری است، همچنین پس از پایان دوره بهره‌برداری، جمع‌آوری اصولی لوله‌ها برای جلوگیری از آسیب زیست‌محیطی اهمیت زیادی دارد.

خطوط لوله انتقال و توزیع نفت و گاز طبیعی نیز به طور معمول جزء انحصاری طبیعی محسوب می‌شوند. به این معنا که هزینه‌های بالای احداث و نگهداری خطوط لوله موازی، انجام این کار را از لحاظ اقتصادی برای سایر شرکت‌ها غیرممکن می‌سازد (Smith, S. (ed) (1999). Natural Gas: Private sector Participation And Market Development). از این رو، تنها شرکتی که خطوط لوله را در کنترل یا مالکیت خود دارد می‌تواند به طور اقتصادی نفت و گاز طبیعی را انتقال دهد و توزیع کند. به دلیل ماهیت انحصاری این بخش، دولت‌ها نظارت و تنظیم‌گری دقیقی بر نحوه ارائه خدمات و تعیین قیمت‌های آبونمان بهره‌مندی از خطوط لوله توسط اشخاص ثالث، مبتنی بر حق دسترسی شخص ثالث، دارند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی شرکت‌های انحصاری

جلوگیری و رقابت منصفانه در بازار حفظ شود (Bacon, Robert. (1999). Private Participation
(in Transmission and Distribution of Natural Gas- Recent Trends, 1-8).

2. دسترسی شخص ثالث

دسترسی شخص ثالث^۱ امکان دسترسی آسوده و سریع سرمایه‌گذار جدید به تجهیزات موجود اضافی صاحبان پروژه‌های دیگر است. این قاعده گرچه می‌تواند در عمل منجر به تحقق پیچیدگی‌های زیادی گردد لیکن، درعین‌حال، فرصت مناسبی برای متقاضیان احتمالی پروژه‌های آتی به وجود می‌آورد تا از امکانات موجود در راستای سرمایه‌گذاری خود بهره‌مند گردند. نحوه تنظیم مقررات بازار نفت و گاز، این موضوع را به ذهن متبادر می‌نماید که به استناد حق مالکانه تجهیزات، محصولات تولیدی پروژه‌ها، تأسیسات حمل‌ونقل، ذخیره‌سازی، فرآورش و پالایش از جمله خطوط لوله تحت مدیریت کامل سرمایه‌گذار قرار دارند. به عبارت دیگر، در غالب موارد سرمایه‌گذار، مالک انحصاری کلیه تأسیسات و محصولات مزبور است. باین‌حال، بر اساس نهاد حقوقی حق دسترسی شخص ثالث، دیگر سرمایه‌گذاران محق هستند تا از ظرفیت‌های موجود سرمایه‌گذار سابق، بهره‌مند گردند. بنابراین، سرمایه‌گذار آتی می‌تواند از ظرفیت تأسیسات سرمایه‌گذار سابق که خالی مانده و غیرفعال است، مشروط به رعایت شرایط مالی و تجاری اعلام شده، منتفع گردند. وجود پتانسیل بهره‌مندی از ظرفیت غیرفعال تأسیسات (که متعلق به سرمایه‌گذار پیشین است) اساس و بنیان نهاد حقوقی حق دسترسی شخص ثالث است. روشن است که فعالیت در زمینه عملیات‌های پیچیده اکتشاف، توسعه و تولید در بخش نفت و گاز نیازمند بهره‌مندی از دانش و تجهیزات منحصربه‌فردی است. از همین رو، فعالیت‌های مزبور نیازمند تخصیص سرمایه انسانی، مالی و فنی هنگفتی است. اغلب این تجهیزات و تأسیسات با هدف و در راستای نیل به محصولات از میدان نفتی و گازی خاص و مشخصی ساخته می‌شوند (مثلاً میدان گازی راف^۲) و پس از آنکه مدتی از آنها بهره‌برداری شد، نهایتاً برچیده می‌شوند. بنابراین سرمایه‌گذاران تنها زمانی حجم زیادی از سرمایه خود را به این فعالیت‌ها اختصاص می‌دهند که آن سرمایه‌گذاری ضرورت داشته باشد و سپس بتوانند از آن تأسیسات به صورت اختصاصی بهره ببرند.

باین‌حال، در سه مورد بهره‌برداری از تجهیزات و تأسیسات هر پروژه به مانند سرمایه‌گذاری

-
1. Third Party Access
 2. Rough

در خطوط لوله انتقال نفت و گاز به صورت انحصاری، ویژگی اختصاصی بودن خویش را از دست می‌دهد:

1.2. کثرت تجهیزات موجود

در فرضی که هر یک از سرمایه‌گذاران در حوزه نفت و گاز، خطوط لوله انحصاری خود را داشته باشند، این امر منجر به تراکم زیاد خطوط لوله در نقطه جغرافیای معین می‌گردد. بنابراین تراکم ناشی از خطوط لوله موجود تأثیرات منفی در آن حوزه جغرافیایی را ایجاد می‌نماید و سرمایه‌گذاران آتی امکان بهره‌مندی از فرصت اقتصادی را به دلیل وجود این تراکم سنگین تأسیسات از دست می‌دهند. برای مثال، اگر در حوزه جغرافیایی استان خوزستان که دارای میادین متعدد نفتی و گازی است، خطوط لوله نفت و گاز بی‌شماری وجود داشته باشد، این کثرت خطوط لوله، توسعه میدان نفتی فرضی را که جدیداً کشف شده است و نیازمند دسترسی به خط لوله انتقال نفت یا گاز از سر چاه به پالایشگاه یا پایانه صادراتی است را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد و کل پروژه را زیر سؤال می‌برد. علاوه بر آن، وجود تأسیسات بیش از اندازه از نقطه نظر اجتماعی نیز امر نامطلوبی است؛ زیرا تلاقی حقوق مالکان متعدد و ایجاد چالش‌های اجتماعی ناشی از آن را به همراه می‌آورد. همچنین اشباع این گونه تجهیزات می‌تواند به محیط‌زیست نیز آسیب برساند. بنابراین، خطوط لوله انتقال نفت و گاز موجود تنها در فرضی مقبول است که تعادل اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیست موجود را از بین نبرد. در غیر این صورت، بهره‌برداری اختصاصی سرمایه‌گذار، خصیصه انحصاری بودن را به دلیل الزام ناشی از قاعده دسترسی شخص ثالث و با حمایت سازمان‌های تنظیم‌گر از دست می‌دهد.

2.2. عدم کارایی

در عمل، اغلب تأسیسات نصب شده در پروژه‌های نفتی و گازی (اعم از خطوط لوله انتقال، تأسیسات تولیدی، حمل‌ونقل، ذخیره‌سازی، فرآورش و پالایش) دارای ظرفیت کارایی بیش از آن مقداری است که در ابتدای پروژه پیش‌بینی شده است. این ظرفیت کارایی غیرفعال، اغلب پس از مدتی که بهره‌برداری از پروژه صورت گرفت، خودش را نشان می‌دهد. کاهش میزان بهره‌مندی می‌تواند خواه به دلیل رکود عرضه و تقاضا یا به دلیل اُفت فشار مخزن باشد. حتی ممکن است سرمایه‌گذار مالک تجهیزات، صرفه اقتصادی خود را در این ببیند که با اختصاص بخشی از ظرفیت کارایی تجهیزات خود به دیگران، منفعت مالی بیشتری به دست می‌آورد. به هر دلیل،

در این حالت است که استفاده انحصاری از تجهیزات می‌تواند فلسفه وجودی خود را از دست بدهد (Roberts, Peter. Gas And LNG Sales And Transportation Agreements, Principles And Practice).

3.2. دسترسی شخص ثالث و سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز

ممکن است سرمایه‌گذار تمایل داشته باشد در حوزه مشخصی از بازار نفت و گاز سرمایه‌گذاری نماید لیکن به دلیل اینکه نمی‌تواند به صورت اختصاصی تأسیسات و تجهیزات ضروری و منحصر به فرد خود را داشته باشد یا به دلیل عدم وجود حق دسترسی به تجهیزات سایر سرمایه‌گذاران که پیش از او در تحصیل این تأسیسات زیربنایی اقدام نموده‌اند، در کثرت موارد انگیزه سرمایه‌گذاری خود را از دست دهد. به عنوان مثال، تولیدکنندگان نفت و گاز ترجیح می‌دهند خط لوله تنه^۱، که از انواع خطوط لوله است را به صورت اختصاصی در اختیار داشته باشند. دلیل این ترجیح آن است که از این طریق سرمایه‌گذاران از حمل محصول خود به مقصد تحت مدیریت خود مطمئن خواهند بود. همچنین ایشان ترجیح می‌دهند که شخص ثالث از خط لوله وی استفاده نکند؛ زیرا با حمل نفت و گاز ایشان، بازار انحصاری عرضه خود را در پایین دست^۲ از دست می‌دهند. بنابراین سرمایه‌گذاران حتی زمانی که خطوط لوله دارای ظرفیت اضافی است، از در اختیار قرار دادن آن به دیگران، امتناع می‌نمایند و یا با تعیین آبونمان^۳ گزاف در قبال بهره‌مندی اشخاص ثالث از ظرفیت خالی مزبور، در صدد برمی‌آیند تا به جای تعیین آبونمان منصفانه، مبلغ هنگفتی را مطالبه نمایند تا هزینه فرصت^۴ کسب منفعت اقتصادی که از دست رفته را جبران نمایند. این وضعیت می‌تواند نهایتاً هم شخص ثالث را از امکان سرمایه‌گذاری جدید منع نماید و هم دولت پذیرای سرمایه را از رشد اقتصادی ناشی از سرمایه‌گذار جدید توسط سایر اشخاص محروم نماید.

با اعمال حق دسترسی شخص ثالث، مالک خط لوله تنه، پس از آنکه در راستای اهداف تجاری خویش از کل ظرفیت خط لوله خویش به صورت انحصاری، استفاده نموده و ضرورت بهره‌مندی از تمام آن ظرفیت خط لوله از بین رفت، با میزان مشخصی از ظرفیت بهره‌برداری از

-
1. Trunk line
 2. Downstream
 3. Tariff
 4. Opportunity Cost

آن خط لوله، مواجهه می‌گردد؛ که بدون استفاده باقی می‌ماند. در این صورت، با مدیریت نظارتی سازمان‌های تنظیم‌گر، اشخاص ثالث می‌توانند منوط به پرداخت آبونمان مناسب از این فرصت استفاده نمایند و از تجهیزات مالک خط لوله بهره‌مند گردند.

همچنین، گسترش اعمال و شناسایی حق دسترسی شخص ثالث می‌تواند به توسعه مخزن‌هایی نیز منجر گردد که چندان بزرگ نیستند. به عبارت دیگر، مخزن‌های کوچک که سودای کسب عواید هنگفت آتی برای سرمایه‌گذاران را به همراه ندارند و فاقد ارزش اقتصادی سرمایه‌گذاری قابل توجه در مقایسه با مخازن بزرگ‌تر هستند را، توجیه‌پذیر می‌نماید. بر این اساس، برای اینکه در یک میدان کوچک ارزیابی تجاری بودن، آن میدان توسعه مخازن کوچک دارای وجاهت و صرفه اقتصادی باشد، لازم است سرمایه‌گذار به تجهیزات و زیرساخت‌های زیربنایی که تا پیش از این در تملک و مدیریت انحصاری فعالان اقتصادی پیشین بوده است، به صورت کارآمدی دسترسی داشته باشد؛ دلیل این الزام آن است که مخزن با مشخصات و مقیاس کوچک با فرض نیازمندی به تأسیس تجهیزات ضروری، فاقد جذابیت اقتصادی و تجاری است. با تحقق امکان دسترسی و بهره‌مندی براساس حق دسترسی شخص ثالث، این جذابیت اقتصادی و تجاری حاصل شده و امکان توسعه و سرمایه‌گذاری در مخازن در مقیاس متوسط و کوچک فراهم می‌گردد.

بر این اساس، تحقق دسترسی شخص ثالث به زیرساخت‌های سایر سرمایه‌گذاران قاعدتاً بر اساس قرارداد که به صورت آزادانه تنظیم شده است، امکان می‌یابد. در این صورت توافق بر استفاده از تجهیزات سرمایه‌گذار سابق مبتنی بر حق دسترسی شخص ثالث از جمله حقوق نرم^۱ است، به این معنی که طرفین با اختیار خود و با آزادی اراده اقدام به استفاده از تجهیزات زیربنایی اضافی نموده‌اند. با این حال، ممکن است تحقق توافق مبتنی بر دسترسی شخص ثالث، با دخالت و نقش‌آفرینی نهادهای تنظیم‌گر^۲ تحقق یابد. این نوع دسترسی در راستای قوانین تنظیم‌گری^۳، با تجویز و الزام آن توسط نهادهای حاکمیتی و در جهت حفظ منافع عمومی تحقق می‌یابد.

لزوم حمایت قانون‌گذار یا نهادهای حاکمیتی بر این ضرورت استوار است که در صورت عدم وجود چنین پشتوانه قانونی، سرمایه‌گذار جدید، از انگیزه لازم جهت اقدام به سرمایه‌گذاری، محروم می‌گردد. با این حال، ضرورت جذب و تحقق سرمایه‌گذاری‌های جدید و وجود مقررات

1. Soft Law
2. Regulators
3. Regulations

اجباری تحمیل‌کننده دسترسی شخص ثالث، برخلاف فرضی که سرمایه‌گذار سابق و سرمایه‌گذار جدید با توافق خویش، نسبت به شناسایی حق دسترسی و استفاده سرمایه‌گذار جدید به تاسیسات و تجهیزات سرمایه‌گذار سابق، اقدام نموده‌اند، می‌تواند منجر به تشکیک در حقوق نرم بودن حق دسترسی شخص ثالث شود.

دلیل دیگر برای نقش‌آفرینی سازمان‌های تنظیم‌گر، عدم قدرت چانه‌زنی میان سرمایه‌گذاران کلان و خرد است. بنابراین، دولت جهت حفظ تعادل میان سرمایه‌گذار پیشین و پسین و همچنین، جهت حفظ اصول حاکم بر تحقق رقابت سالم که نهایتاً رشد اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد، مکلف به مداخله است (شیروی، عبدالحسین، حقوق اقتصادی).

جهت تضمین این حمایت قانونی سازمان‌های تنظیم‌گر تعهدی همیشگی در طول قرارداد سرمایه‌گذاری دارند. از همین رو، در راستای جریان الزامات ناشی از حق دسترسی شخص ثالث، این مقررات نظارتی مربوطه لازم است، مکرراً مورد ویرایش و بازنگری قرار گیرند. همچنین قوانین و مقررات حاکم در این خصوص نیازمند همسان‌سازی و واقع‌نگری مداوم در راستای برخورداری و نیل به اقتصاد و تجارت پویا است.

به همین دلیل در انگلستان، دولت، در طول سالیان متمادی، حمایت از سرمایه‌گذاران در دسترسی به تجهیزات زیربنایی اضافی را، در دستور کار خود قرار داده است. این حمایت مخصوصاً در راستای اهداف این کشور، جهت تبدیل شدن به قطب واردات نفت و گاز و با هدف کاهش تولید از ذخایر ملی آن کشور، بوده است.

میان تولید نفت و گاز از یک سو و تصویب مقررات جدید برای حمایت از شخص ثالث در دسترسی به تجهیزات زیربنایی از سویی دیگر، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. در واقع هر مقدار تولید نفت و گاز از مخازن ملی کاهش می‌یابد، میزان تصویب قوانین تنظیم‌گری پیرامون حمایت از سرمایه‌گذار جدید، در راستای دسترسی به تجهیزات زیربنایی سرمایه‌گذاران سابق، افزایش می‌یابد. بنابراین با ایجاد و شناسایی این نهاد حقوقی نیز می‌توان تولید صیانتی نفت و گاز را تحقق بخشید. از همین رو، در هنگام توافق جهت توسعه میدان نفتی یا گازی معمولاً سازمان‌های تنظیم‌گر سرمایه‌گذاران را تشویق می‌نمایند، مطالعات و پیش‌بینی‌های ضروری جهت ایجاد زیرساخت‌های فنی را در راستای تدارکات و تعبیه مقدمات لازم برای تحقق دسترسی شخص ثالث احتمالی فراهم نموده، و در مطالعات امکان‌سنجی مدنظر قرار دهند (Roberts, Pet er. Gas And LNG Sales And Transport at i on Agreement s, Pri nci pl es And Practi ce).

3. تعارض حق دسترسی شخص ثالث با انحصار طبیعی و سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز

حق دسترسی ثالث از یک سو با انحصار طبیعی^۱ و از سوی دیگر با تشویق به سرمایه‌گذاری، تعارضاتی دارد که در ادامه این تعارضات تشریح می‌گردد.

1.3. تعارض حق دسترسی شخص ثالث با انحصار طبیعی

تعارض ابتدایی که باید مطرح گردد، تعارض میان ترویج دسترسی به بازار برای سرمایه‌گذاران جدید از طریق شناسایی نهاد حقوقی حق دسترسی شخص ثالث به تجهیزات زیربنایی اضافی سرمایه‌گذاران سابق و بحث انحصار طبیعی است. در واقع از یک سو، از طریق اعمال حق دسترسی شخص ثالث، بهره‌برداری از تمام توان و از ظرفیت لوله نفت و گاز، ولو آنکه در مالکیت شخص بهره‌بردار نبوده و از طریق پرداخت آبونمان به مالک صورت بگیرد، ترویج و تأکید می‌شود؛ و از سوی دیگر، از توسعه تجهیزات زیربنایی جدید (در فرضی که امکان بهره‌مندی از تجهیزات زیربنایی موجود به استناد حق دسترسی شخص ثالث وجود دارد) جلوگیری به عمل می‌آورد. این امتناع و جلوگیری از سرمایه‌گذاری جدید در توسعه خطوط لوله نفت و گاز، از زاویه‌ای دیگر، منجر به نوعی حق انحصارگونه برای صاحبان تجهیزات زیربنایی سابق (با در نظر گرفتن حق دسترسی شخص ثالث) می‌گردد. در واقع با شناسایی نهاد حق دسترسی شخص ثالث به تجهیزات زیربنایی اضافی موجود، تحقق سرمایه‌گذاری جدید در ایجاد خط لوله نفت و گاز که می‌تواند منجر به ایجاد رقابت در بازار سرمایه گردد، منع می‌گردد. همچنین این امر از طریق کاهش میزان قلمروی رقابت در بازار سرمایه میان مالکان تجهیزات زیربنایی، ضریب احتمال تحقق کارتل‌ها یا گروه‌بندی‌های غیررقابتی را افزایش می‌دهد. نهایتاً، گرچه تحقق ساختارهای انحصاری به صورت قاعده‌ای کلی، در ضوابط مهندسی اقتصاد بازار رقابتی امری مطرود است، با این حال، از طریق ایجاد مقررات تنظیم‌گری کارآمد می‌توان، در خصوص مدیریت امکان بهره‌مندی از ظرفیت اضافی خطوط لوله مربوطه به بهترین نحو از مزایای ابراز قانونی حق دسترسی شخص ثالث بهره‌مند گردید و از تحقق انحصار و آثار منفی آن جلوگیری به عمل آورد.^۲

1. Natural Monopoly

2. این امر منعکس‌کننده دکرین تسهیلات اساسی (Essential Facilities) است. به موجب این دکرین، مالک تأسیسات

2.3. تعارض حق دسترسی شخص ثالث به خطوط لوله نفت و گاز با تشویق به سرمایه‌گذاری

تعارض دوم که نیازمند تشریح است، تعارض میان عدم اشتیاق به سرمایه‌گذاری، به واسطه وجود ظرفیت اضافی خطوط لوله نفت و گاز و عدم امکان توسعه خط لوله نفت و گاز اختصاصی توسط سرمایه‌گذار جدید در محل پروژه از سویی و تشویق به سرمایه‌گذاری - به معنی اطلاق کلمه - از سویی دیگر است. در واقع در صورت وجود حق دسترسی ثالث و اجرای دقیق و کارآمد آن - مخصوصاً در جایی که به صورت دقیق و کامل نظارت بر میزان آبونمان دریافتی بابت امکان بهره‌مندی از ظرفیت تجهیزات زیربنایی اضافی وجود دارد - از تحقق سرمایه‌گذاری جدید توسط سرمایه‌گذاران احتمالی آتی توسط نهاد تنظیم‌گر جهت توسعه تجهیزات زیربنایی توسط سرمایه‌گذار جدید در محل پروژه، جلوگیری به عمل می‌آید. دلیل این امر آن است که ممکن است میزان بازگشت سرمایه و سود با اعمال نظارت کامل و دقیق حق دسترسی ثالث از سوی نهاد تنظیم‌گر و پیشنهاد آن به جای توسعه تجهیزات زیربنایی اختصاصی چندان جذابیت برای سرمایه‌گذاران جدید نداشته باشد. این شرایط یعنی فقدان جذابیت بازار برای سرمایه‌گذاران احتمالی آتی، می‌تواند نهایتاً به صورت کامل برای کشور پذیرای سرمایه، زیان‌آور باشد.

به دلیل وجود امکان تحقق چالش میان مالک تجهیزات، که همان سرمایه‌گذار سابق است، و سرمایه‌گذار جدید، که خواهان بهره‌مندی از تجهیزات سرمایه‌گذار سابق است، لازم است مقررات تنظیم‌گری به صورت مؤثر تنظیم شده و در خصوص اجرای آن نظارت کافی به عمل آید (شیروی، عبدالحسین، حقوق اقتصادی).

4. تجربه انگلیس در انحصار طبیعی و حق دسترسی ثالث در سرمایه‌گذاری

خطوط لوله نفت و گاز

در انگلیس مقررات ویژه‌ای در خصوص انحصار طبیعی و حق دسترسی شخص ثالث در نظر گرفته شده است. این مقررات شامل:

یک - مقررات اختیاری^۱

زیربنایی که دارای تسلط کامل بر محل فعالیت است می‌تواند موقعیت انحصاری مؤثر خود را در صورت اعطای حق دسترسی به صورت کافی و بدون تبعیض به شخص ثالث، حفظ نماید.

دو- مقررات اجباری

انگلیس در سال ۱۹۹۶ مقرراتی درخصوص حق دسترسی شخص ثالث، که دارای ویژگی اختیاری بودن است را، با عنوان مقررات رویه (Infrastructure Code of Practice (I CoP)) چارچوب^۱ مصوب نمود. این مقرره در سال های ۲۰۰۴، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۷، ویرایش شد. همچنین کتابچه راهنمای آن نیز منتشر گردید (Code of Practice on Access to Upstream Oil and Gas Infrastructure on the UK Continental Shelf, January 2009).

مقررات رویه چارچوب قلمروی گسترده‌ای دارد که تمام ساختارهای نفت و گاز در خصوص محصولات هیدروکربنی و زنجیره تدارک آن از سرچاه تا ترمینال و پالایشگاه (که شامل خطوط لوله نیز هست) را در سراسر انگلیس شامل می‌گردد. باین حال، این مقرره امکان تسری خود به شبکه ملی انتقال، اتصال‌دهنده‌های آن و ترمینال‌های واردات را استثنا نموده و شامل آنها نمی‌شود. همچنین مقررات رویه چارچوب باید در ذیل قانون رویه تجاری^۲ انگلیس که در سال ۲۰۰۲ اجرایی گردید، تفسیر گردد. این مقررات نحوه تعاملات تجاری در بخش بالادستی نفت و گاز را بسط می‌دهد (UK Continental Shelf Oil and Gas Industry License-Holder Commercial Code of Practice).

در سند مزبور، انحصار طبیعی با شرایط مقرر ذیل تعدیل شده و امکان دسترسی شخص ثالث به زیرساخت‌های موجود ممکن شده است. قانون مزبور بر مبنای هشت اصل عملیاتی بنیان نهاده شده است:

- یک- شرایط دسترسی، باید شفاف و روشن باشد.
- دو- میان متقاضیان دسترسی، رجحان و تمایزی صورت نگیرد.
- سه- شرایط قراردادی و میزان آبونمان، باید منطقی باشد.
- چهار- شرایط قراردادی و میزان آبونمان، باید منصفانه باشد.
- پنج- در تنظیم شرایط قراردادی و میزان آبونمان ریسک تجاری، باید در نظر گرفته شود.
- شش- در تنظیم شرایط قراردادی و میزان آبونمان، لزوم بازگشت سرمایه و سود، باید در نظر گرفته شود.

2. Available at <https://oeuk.org.uk/wp-content/uploads/2022/10/Infrastructure-code-of-practice-2017.pdf>

2. Available at <https://oeuk.org.uk/wp-content/uploads/2020/10/Commercial-Code-of-Practice-2017.pdf>

هفت- شرایط قراردادی و میزان آبونمان، باید ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری نماید.

هشت- شروط اساسی امکان بهره‌مندی، به انتشار عموم برسد.

این مقرر همان‌طور که در پیش ذکر گردید، دارای خصوصیتِ اختیاری بودن (از جمله مقررات تکمیلی است و واجد خصوصیت امری و الزام‌آور نیست)، است. مالک خطوط لوله و شخص ثالث خواهان توافق، می‌توانند به‌صورت آزادانه و با حاکمیت اصل آزادی اراده نسبت به تنظیم قرارداد اقدام کنند. باین حال، اگر طرفین توافق مزبور، نتوانند به‌صورت آزادانه به توافق برسند، هرکدام از طرفین می‌تواند از نهاد تنظیم‌گر (Infrastructure Code of Practice-ICoP) براساس قواعد اجباری حاکم بر بازار، تقاضای اعمال مقررات مربوطه را نمایند و خواستار دخالت دولت و سازمان تنظیم‌گر، در این خصوص گردد.

در سال ۲۰۰۲ راهنمای حل اختلاف در خصوص حق دسترسی شخص ثالث^۱ (Guidance on Consideration of Application for Resolution of Disputes over Third Party Access to Infrastructure) و اعمال آن منتشر گردید. هدف این راهنما، ارائه جزئیات بیشتر در رابطه با شیوه بررسی تقاضای اعمال قاعده دسترسی شخص ثالث بوده است. علاوه بر آن، تدوین‌کنندگان این راهنما امیدوار بوده‌اند از این طریق، از تحقق دسترسی شخص ثالث با دخالت دولت جلوگیری و طرفین را جهت نیل به توافقی آزادانه و ناشی از اراده، متمایل نمایند.

در انگلیس برای اولین بار به‌صورت رسمی حق دسترسی شخص ثالث در قانون نفت و خطوط لوله زیردریایی^۲ (the United Kingdom in the Petroleum and Submarine Pipe-lines Act) در سال ۱۹۷۵ مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفت. امروزه انگلیس حق دسترسی شخص ثالث را در مقررات متعددی، به‌ویژه قانون انرژی^۳ (the Energy Act) مصوب سال ۲۰۱۱ مورد شناسایی قرار داده است. این قانون برای شخص ثالث خواهان بهره‌مندی از ظرفیت استفاده نشده از تجهیزات زیربنایی تحت مالکیت شخص دیگر و بر اساس درخواست از مالک، به‌نوعی، حق قائل شده است.

نظام حقوقی انگلیس ضمن احترام به آزادی اراده جهت توافق میان دارنده حق انحصار طبیعی و خواهان دسترسی شخص ثالث، تلاش نموده است تا حد ممکن توافق میان طرفین را

1. Available at <https://www.nstauthority.co.uk/media/8509/final-updated-tpa-guidance-7-nov-22.pdf>

2. Available at https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1975/74/pdfs/ukpga_19750074_en.pdf

3. Available at <https://assets.publishing.service.gov.uk/media/5a79a975e5274a18ba50de36/3211-energy-act-2011-aide-memoire.pdf>

مورد تاکید قراردهد. در غیر این صورت، سازمان تنظیم‌گر، در راستای تامین منافع کلی کشور که شامل جذب سرمایه، حفظ محیط‌زیست و دسترسی به بازارهای انرژی است، از باب حاکمیت ورود نموده و اقدام به تنظیم‌گری می‌نماید. این رویکرد می‌تواند در ایران نیز، رویکرد مناسبی باشد.

نتیجه

مقاله حاضر با توجه به اهمیت دسترسی به مقاصد و ایجاد بازارهای تجاری برای انتقال و تحویل نفت و گاز از طریق خطوط لوله، از یک سو، و نیاز خطوط لوله نفت و گاز ایران به سرمایه‌گذاری کارآمد، با دخالت سازمان‌های تنظیم‌گر و بخش خصوصی در این حوزه، از سوی دیگر تلاش نمود، موضوع انحصار طبیعی و اهمیت شناسایی حق دسترسی شخص ثالث را، بررسی نماید. براین اساس، گرچه یکی از وظایف شرکت ملی نفت ایران مدیریت خطوله لوله نفت و گاز است، لیکن با تصویب و ابلاغ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، برنامه‌های توسعه کشور خصوصاً برنامه هفتم توسعه، تاکید بر تبدیل ایران به هاب انرژی منطقه و جذب سرمایه، رفع انحصار دولتی بر خطوط لوله نفت و گاز بسیار حائز اهمیت است. رویکرد نظام حقوقی انگلیس به عنوان نظامی که در شناسایی انحصار طبیعی و حق دسترسی ثالث، دارای سابقه شناسایی و تجربیات مقتضی در این ارتباط است، مورد واکاوی قرار گرفت.

در تدوین قوانین، ایران می‌تواند به صورت تطبیقی به سابقه نحوه مدیریت سرمایه‌گذاری در خطوط لوله نفت و گاز انگلیس توجه نماید. در واقع، انگلیس در زمینه سرمایه‌گذاری بخش خصوص در خطوط لوله نفت و گاز و تدوین مقررات در راستای مدیریت این مهم، پیشگام بوده و بر رعایت الزامات و ضوابط حقوق رقابت و دسترسی شخص ثالث تاکید دارند. انگلیس حقوق رقابت را با اصول ممنوعیت توافق بر ایجاد مانع، محدودسازی و تحریف رقابت -بخش دوم- و ممنوعیت سوءاستفاده از برتری در بازار -بخش هجدهم- قانون رقابت 1998، مدیریت نموده است.

دسترسی شخص ثالث امکان دسترسی آسوده و سریع سرمایه‌گذار جدید به تجهیزات موجود اضافی صاحبان پروژه‌های دیگر است. به استناد حق دسترسی ثالث، سرمایه‌گذار آتی می‌تواند از ظرفیت خطوط لوله سرمایه‌گذار سابق که خالی مانده و غیرفعال است، مشروط به رعایت شرایط

مالی و تجاری اعلام شده، منتفع گردند. وجود پتانسیل بهره‌مندی از ظرفیت غیرفعال تأسیسات (که متعلق به سرمایه‌گذار پیشین است) اساس و بنیان نهاد حقوقی حق دسترسی شخص ثالث است.

حق دسترسی شخص ثالث در تعارض با حق مالکانه بر تجهیزات و تسلط مالک مبتنی بر انحصار طبیعی است. با این حال، سه ضرورت، تضییق حق مالک خط لوله در بهره‌برداری از آن را، به استناد حق دسترسی شخص ثالث، توجیه می‌نماید؛ که عبارتند از کثرت تجهیزات موجود، عدم کارایی و ضرورت وجود رقابت. همچنین، حق دسترسی شخص ثالث با تشویق به سرمایه‌گذاری دارای تعارض است؛ حق دسترسی شخص ثالث به دیگر اشخاص اجازه می‌دهد از تجهیزات و سرمایه‌گذاری‌های مالک تجهیزات و تأسیسات موجود، منوط به تحقق قیود و شروط مقرر، بهره‌مند شوند و انحصار طبیعی سرمایه‌گذار را، خدشه‌دار نمایند.

در انگلیس مقررات ویژه‌ای در خصوص حق دسترسی شخص ثالث در نظر گرفته شده است. این مقررات شامل مقررات اختیاری و مقررات اجباری است. مقررات اختیاری حق دسترسی ثالث در مقررات رویه چارچوب مبتنی بر هشت اصل تنظیم گردیده است. یک- شرایط دسترسی، باید شفاف و روشن باشد. دو- میان متقاضیان دسترسی، رجحان و تمایزی صورت نگیرد. سه- شرایط قراردادی و میزان آبونمان، باید منطقی باشد. چهار- شرایط قراردادی و میزان آبونمان، باید منصفانه باشد. پنج- در تنظیم شرایط قراردادی و میزان آبونمان ریسک تجاری، باید در نظر گرفته شود. شش- در تنظیم شرایط قراردادی و میزان آبونمان، لزوم بازگشت سرمایه و سود، باید در نظر گرفته شود. هفت- شرایط قراردادی و میزان آبونمان، باید ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری نماید. هشت- شروط اساسی امکان بهره‌مندی، به انتشار عموم برسد.

منابع فارسی

- 1- شیروی، عبدالحسین. حقوق انرژی. موسسه انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم. 1404
- 2- شیروی، عبدالحسین. حقوق اقتصادی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ اول. 1399
- 3- شیروی، عبدالحسین. حقوق نفت و گاز. نشر میزان. چاپ پنجم. 1400

منابع انگلیسی

- 1- Bacon, Robert. (1999). Private Participation in Transmission and Distribution of Natural Gas- Recent Trends, 1-8
- 2- Code of Practice on Access to Upstream Oil and Gas Infrastructure on the UK Continental Shelf, January 2009
- 3- Directive 2009/715
- 4- Gas Act 1986
- 5- Gas Regulations 2000 -SI 2000/37
- 6- Gas Transporter Regulations 2011-SI 2011/2803
- 7- Regulation (EC) 715/2009 OJ L211
- 8- Roberts, Peter. (2014). Gas And LNG Sales And Transportation Agreements, Principles And Practice
- 9- Smith, S. (ed) (1999). Natural Gas: Private sector Participation And Market Development
- 10- The Energy Act
- 11- The European Union Directive 2003/55
- 12- The European Union Directive 2009/73
- 13- The European Union Directive 98/30/EC OJ L204
- 14- The European Union Regulations (EC) 715/2009 on conditions for access to the natural gas transmission networks Treaty of the Function of the European Union-TFEU
- 15- The United Kingdom Code of Practice on Access to Upstream Oil and Gas Infrastructure on the UK Continental Shelf
- 16- The United Kingdom Continental Shelf Oil and Gas Industry License-Holder Commercial Code of Practice
- 17- The United Kingdom Guidance on Consideration of Application for Resolution of Disputes over Third Party Access to Infrastructure
- 18- The United Kingdom in the Petroleum and Submarine Pipe-lines Act
- 19- Treaty of the Function of the European Union-TFEU
- 20- UK Continental Shelf Oil and Gas Industry License-Holder Commercial Code of Practice